

فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء (س)

سال بیست و دوم، دوره جدید، شماره ۱۳، پیاپی ۹۹، بهار ۱۳۹۱

بررسی فرایند شکل‌گیری سلسله‌مراتب روحانیت در عصر ساسانی

علی اصغر میرزایی^۱

تاریخ دریافت: ۹۰/۷/۲

تاریخ تصویب: ۹۱/۹/۱۱

چکیده

در حکومت ساسانی که بر پایه دین و شاهی بنا شده بود، روحانیان، مروج و مبلغ دین زرتشت بودند. آن‌ها بازوی شاهان ساسانی در گردآوری اوستا، اصلاح گاهشماری، تأسیس آتشکده‌ها، اعزام روحانیان و سرکوب ادیان غیرزرتشتی و بدعت‌گذاران بودند. معمولاً معتقدند که دستگاه روحانیت ساسانی، از همان آغاز دارای ساختاری تشکیلاتی و نظام‌مند بوده؛ اما به نظر می‌رسد روحانیت ساسانی فرایندی درازمدت را برای تشکیلاتی شدن و تمایز میان مقام‌ها و وظایف پشت‌سر گذاشته بوده است. نقطه آغاز این فرایند، اقدامات کرتیر بود که باعث حضور پررنگ و مقتدرانه روحانیان و سلسله‌مراتب آن‌ها در پادشاهی ساسانی شد و نقطه اوج آن در زمان کواد و خسروانوشیروان بود که موجب شد تشکیلات و سلسله‌مراتب اداری روحانیت ساسانی شکل نهایی به خود بگیرد. این فرایند و تشکیلات و سازوکار آن، مبتنی بر الگوی قدرت پادشاهی و تابعی از رویدادهای سیاسی، دینی و اجتماعی بود. این مقاله با تکیه بر سنگ‌نوشته‌ها، مُهرها و متون پهلوی بازمانده از دوران ساسانی و

۱. استادیار گروه تاریخ دانشگاه اراک a-mirzaei@araku.ac.ir

گزارش‌های نویسندگان ایرانی و عرب، بر آن است تا به بررسی فرایند شکل‌گیری سلسله‌مراتب و تشکیلات روحانیت عصر ساسانی بپردازد.

واژه‌های کلیدی: روحانیت ساسانی، روحانیان، کرتیر، تشکیلات اداری،

موبدان.

مقدمه

با تأسیس پادشاهی ساسانیان توسط اردشیر یکم در نیمه نخست سده سوم میلادی (۲۲۶-۲۴۱)، روحانیت زرتشتی به یکی از پایه‌های اساسی پادشاهی ساسانی تبدیل شد. در حکومت جدید، روحانیان زرتشتی گذشته از اینکه سرپرست و داعیه‌دار و مبلغ دین زرتشت بودند، به‌نحوی در تشکیلات سیاسی، دینی، اقتصادی و اداری پادشاهی نیز حضور گسترده‌ای داشتند. محققان درباره حضور و دخالت گسترده روحانیان در اداره امور پادشاهی، به‌ویژه در سده‌های نخستین تشکیل حکومت ساسانی، هم‌عقیده نیستند. این امر، ریشه در ماهیت و وضعیت منابع دارد؛ زیرا منابع، یا همزمان هستند یا متأخر. منابع همزمان، مانند سنگ‌نوشته‌های اردشیر یکم، هم کوتاه و فشرده هستند و هم بسیار اندک و انگشت‌شمار. سنگ‌نوشته‌های شاپور یکم و دیگر شاهان ساسانی نیز بیشتر دارای ماهیت سیاسی هستند تا دینی و کمتر به حضور روحانیان اشاره کرده‌اند. در این بین، سنگ‌نوشته‌های کرتیر و مهرهای بازمانده از قصر ابونصر و تخت سلیمان، به‌منزله منابع همزمان درباره حضور روحانیان در بررسی ساختار اداری پادشاهی ساسانی، ارزش شایان توجهی دارند. منابع همزمان رومی و سریانی نیز جز اشاره‌های پراکنده، بیشتر مسائل سیاسی و نظامی را پوشش می‌دهند تا مسائل مرتبط با روحانیت و دستگاه اداری آن. منابع متأخر، مانند منابع ایرانی-اسلامی، بااینکه همزمان با رویدادهای عصر ساسانی نیستند، اطلاعات فراوانی درباره روحانیت این دوره و سازمان و تشکیلات آن به‌دست می‌دهند. در بهره‌گیری از این منابع، با یک دشواری بزرگ روبه‌رو هستیم: این منابع، بسیاری از رویدادها، مناصب، تشکیلات و سازوکارهای دستگاه روحانیت را که در میانه و پایان عصر ساسانی پدیدار شدند، به‌دوران آغاز این پادشاهی و به‌ویژه بنیان‌گذار آن

نست می دهند. از این رو، باید در بهره گیری از این منابع احتیاط کرد. برای پژوهشگران سازمان و تشکیلات اداری دستگاه روحانیت ساسانی، البته، زمان شکل گیری مناصب و سلسله مراتب این دستگاه اهمیت دارد. پیوند تنگاتنگ و ناگسستی دین و پادشاهی در شاهنشاهی ساسانی، این پرسش را پیش می کشد که آیا دستگاه روحانیت زرتشتی، از همان آغاز تأسیس پادشاهی، دستگاهی تشکیلاتی و نظام مند بود که در سازوکار اداری و سازمانی با دستگاه شاهی برابری می کرد، یا اینکه به مرور زمان و همگام با دستگاه شاهی، ساختار اداری و تشکیلاتی آن شکل گرفت؟

۱. تأسیس پادشاهی ساسانی و دین زرتشت

مهم ترین رویداد برای دین زرتشت و دستگاه روحانیت زرتشتی، بی تردید، تأسیس پادشاهی ساسانی توسط اردشیر یکم بود. اقدام اردشیر و شاپور یکم برای گردآوری اوستا، اصلاح گاهشماری، تأسیس آتشکده های فراوان در مناطق گشوده شده و اعزام روحانیان به بخش های گوناگون پادشاهی، گرایش بیشتر و گسترده تری را به دین زرتشت، در مقایسه با گذشته، به دنبال داشت (بویس، ۱۳۸۴: ۱۳۳). منابع همزمان - اعم از سنگ نوشته ها، نقش برجسته ها، منابع رومی و سریانی - و نیز گزارش های منابع متأخر نشان می دهند که شاهان و روحانیان در مقام مروجان کیش زرتشت، به نفوذ این دین در فرهنگ جامعه، در سنگ نوشته ها، نقش برجسته ها، آیین های مرتبط با مردگان و ادبیات و رسوم پادشاهی کمک کردند. براساس وقایع نامه اربیل، «شاه اردشیر فرمان داد تا به پاس ایزدان، آتشکده های تازه برپا شود. مقام ایزدمهر از همه ایزدان والاتر بود... وی بسیاری از پیروان دیگر ادیان را به ستایش مهر و پرستش آتش واداشت.» (بیگولوسکایا، ۱۳۷۲: ۲۲۱؛ ویدنگرن، ۱۳۷۱: ۱-۳۴۰ و ۳۸۰؛ Chaumont, 1964: 167). منابع گوناگون، به ویژه منابع مسیحی و ارمنی، به شورش و شوق اردشیر برای ویران کردن پرستشگاه های کافران، برپا داشتن آتشگاه ها در ارمنستان، ویران کردن بتکده ها و همچنین وارد کردن پرستش آتش در ادیان دیگر گواهی می دهند (فرای، ۱۳۸۵: ۳۵۳). سنگ نوشته شاپور در کعبه زرتشت نیز با اشاره به برپا داشتن آتش های بهرام توسط شاپور، بر تلاش شاهان برای گسترش دین زرتشت در شهرهای گشوده شده تأکید می کند (بویس،

Wiesehofer, 1987: 376; ۲۰۸: ۱۳۷۸؛ ویسهوفر، ۲۲۱: ۱۳۷۲؛ پیگولوسکایا، ۳۵۳: ۱۳۸۵؛ فرای، ۱۳۸: ۱۳۸۴؛
(Choksy, 1988: 11; Yamamoto, 1981: 67 Yamauchi, 1998: 87;

با این همه، اقدامات اردشیر و شاپور بنابه مقتضیات و شرایط سیاسی انجام می‌گرفت. با اینکه شاهان نخستین ساسانی مروجان دین زرتشت و پشتیبان روحانیت بودند، گزارش کشمکش‌ها و تنش‌های میان آنان و روحانیان زرتشتی در منابع همزمان، نشان می‌دهد که بهره‌برداری سیاسی شاهان از قدرت دین زرتشت و روحانیت زرتشتی بر جنبه دینی آن برتری داشت؛ امری که تلقی ما را از اتحاد دین و پادشاهی به منزله دو برادر، به چالش می‌کشد (ویسهوفر، ۱۳۷۸: ۲۵۷). به ویژه اینکه می‌دانیم دیگر ادیان نیز، اگرچه با دشواری‌های خاص خود، در سرزمین‌های امپراتوری ادامه حیات می‌دادند. سنگ‌نوشته‌های شاپور یکم و رواداری وی نسبت به مانی گواهی بر این مدعاست.

متون پهلوی و برخی از منابع متأخر بر پیوند تنگاتنگ اردشیر و روحانیانی مانند تنسر، به ویژه در گردآوری اوستا و رسمی کردن دین زرتشت، تأکید کرده‌اند (ایمان‌پور، ۱۳۶۹: ۲۱۳-۲۱۷)؛ در حالی که وقتی شاپور در سنگ‌نوشته کعبه زرتشت، فهرست بلندپایگان و اعضای دربار اردشیر و خودش را برمی‌شمارد، نامی از تنسر و روحانیان بلندپایه ساسانی نمی‌برد. غیبت تنسر در منابع همزمان و حضور برجسته وی در منابع متأخر که او را هیربدان‌هیربد اردشیر یکم معرفی کرده‌اند (همان)، مشکوک می‌نماید. درمقابل، حضور برجسته کرتیر در منابع همزمان و غیبت وی در منابع متأخر نیز تأمل‌برانگیز است. یکی بودن یا نبودن کرتیر و تنسر را پژوهشگران با دیدگاه‌های گوناگون یادآور شده‌اند. برخی نیز بر این باورند که می‌توان تنسر و ابرسام را، که اولی، هیربدان هیربد و دومی، وزیر اردشیر پاپکان بوده، یکی دانست (همان)؛ اما اشاره نکردن منابع همزمان به تنسر، ما را از اینکه با استناد به منابع متأخر و عنوان هیربدان‌هیربد، قائل به وجود سلسله‌مراتب و نظام تشکیلاتی رسمی در آغازین سال‌های دستگاه روحانیت ساسانی باشیم، باز می‌دارد. این فرض نیز که ویژگی‌ها و عناوین مشترک هیربدان هیربد و وزیر برای تنسر و ابرسام، گونه‌ای همپوشانی برای یکی دانستن آن‌ها پدید می‌آورد (همان)، نمی‌تواند به این معنا باشد که در زمان اردشیر پاپکان، ریاست سلسله‌مراتب دستگاه روحانیت ساسانی را هیربدان‌هیربد یا موبدان‌موبد برعهده داشته است. از بررسی منابع می‌توان چنین برداشت کرد که شکل‌گیری سلسله‌مراتب دینی-اداری

دستگاه روحانیت ساسانی، فقط در فرایندی درازمدت و در پاسخ به نیازها و شرایط گوناگون سیاسی، اجتماعی و دینی امکان پذیر بوده است؛ فرایندی که فقط در سایه الگوی اقتدار شاهی و در طی چند مرحله، عملی می شد.

۲. دستگاه روحانیت زرتشتی در عصر شاپور و کرتیر

سنگ نوشته شاپور یکم در کعبه زرتشت، سیاهه ای از اعضای دربار، پاپک، اردشیر و شاپور به دست می دهد که نشان دهنده رشد فزاینده و گام به گام تشکیلات اداری، سیاسی و اقتصادی پادشاهی ساسانی در سده سوم میلادی است. با وجود این، در فهرست اعضای دربار شاهان نخستین ساسانی، فقط به سه مقام دینی بر می خوریم: یکی کرتیر هیرید (škz: 28) است (Skjærvø, 2012: 608)؛ دوم، چهارگ دادور در دربار اردشیر (škz: 24) و سوم، ساسان دادور در دربار شاپور (škz: 608)؛ Frye, 1956: 325 (29). نه تنها عنوان موبد در فهرست بلندپایگان دربار شاپور، پدر و نیایش به چشم نمی خورد، بلکه عنوان کرتیر هیرید نیز در سلسله مراتب درباری، در رده پنجاهم و پس از عنوان زندان بد، درید و دژبد قرار گرفته است (Skjærvø, 2012: 612) (škz: 28). هم سنگ نوشته شاپور و هم سنگ نوشته کرتیر نشان می دهند که مهم ترین و بلندپایه ترین منصب دستگاه روحانیت در این دوره، منصب هیرید بوده است. براساس سنگ نوشته کعبه زرتشت کرتیر، ارتقاء مقام کرتیر از هیریدی به موبدی دلالت بر این دارد که موبدی مقامی برتر از هیریدی بوده است. این عنوان نخستین بار در کتیبه های کرتیر آمده و به نظر می رسد از اختیارات فراوانی نیز برخوردار بوده است. او این مقام را پس از هیریدی به دست آورد. این گمان نیز وجود دارد که کرتیر در مقام هیرید/ پرستار، در گردآوری بخش های گوناگون اوستا در زمان شاپور یکم نقش داشته است (ایمان پور، ۱۳۶۹: ۲۲۰). هرچند او در سنگ نوشته هایش ادعا می کند که در عهد شاپور و با همان مرتبه هیریدی، سرپرست آتشکده ها و مسئول تهیه وقف نامه ها و مهر کردن آنها بوده است (Skjærvø, 2012: 613)، براساس تاریخ نگارش سنگ نوشته ها، می دانیم که او در مقام موبدی به این کار اقدام کرده است. از این رو، می توان گفت یک موبد در این سده، سرپرست دیوان و خزانه آتشکده های سراسر شاهنشاهی بوده است که نشان می دهد کرتیر هم زمان مقام هایی داشته است

که بعدها مجزا شده‌اند. به هر حال، در دوران نخست پادشاهی ساسانی، دو مقام موبد و هیربد بالاترین پایگاه را در دستگاه روحانیت زرتشتی برعهده داشته‌اند.

سازمان و تشکیلات اداری دستگاه روحانیت ساسانی تابعی از رویدادهای سیاسی، دینی، اقتصادی و اجتماعی این پادشاهی بود؛ همان‌طور که پاره‌ای از سیاست‌های شاهان ساسانی نیز تابعی از الزامات دین زرتشت و نیازهای دستگاه روحانیت بوده است. در همین راستا، آنچه بیش از همه در تشکیلاتی شدن دستگاه روحانیت زرتشتی تأثیر گذاشت، سیاست‌هایی بود که شاهان ساسانی در لشکرکشی‌های خود و در برخورد با ادیان غیرزرتشتی درپیش می‌گرفتند.

با داوری براساس سنگ‌نوشته‌های شاپور و کرتیر در کعبه زرتشت، می‌توانیم حدس بزنیم که لشکرکشی‌های شاپور در غرب و تصرف بخش‌هایی که بعدها بخشی از انیران شهر شدند، چه تأثیر به‌سزایی در فرایند سلسله‌مراتبی شدن دستگاه روحانیت و سازوکار گسترش آتشکده‌ها و مناصب مرتبط با آن‌ها برجای گذاشت. شاپور در سنگ‌نوشته‌اش آشکارا می‌گوید که برای شادی روان خود و فرزندانش، آتش‌های بهرام برپا و گوسفند، شراب و نان نثار آن‌ها کرده است (Škz:17-21). چند سال بعد، کرتیر با این ادعا که درباره آتشکده‌ها از شاپور دستور مستقیم گرفته است (Skjærvø, 2012: 615)، چنین می‌گوید که در همان مناطقی که شاپور و دیگر شاهان از انیرانشهر در اختیار داشتند یا از انیران شهر تصرف کردند، آتشکده‌ها برپا گردید. مغمردان شادروان و کامروا شدند؛ برای بسیاری از آتشکده‌ها و مغان وقف‌نامه مهر شد و به هر مزد و ایزدان سود بزرگ رسید و اهریمن و دیوان را گزندی بزرگ بود (KKZ: 2; Skjærvø, 2012: 615). کرتیر در سنگ‌نوشته نقش‌رجب نیز ادعا می‌کند که آتشکده‌ها را بازسازی کرده، از زیان و غارت بازداشته و آنچه را غارت کرده‌اند به آن‌ها بازگردانیده است. او می‌گوید که از آغاز تا زمان خودش، از سوی شهریاران و خوتایان (فرمانروایان) بسیاری آتشان (آتشکده‌ها) و موبدان را سند و پیمان‌نامه مهر کرده، نام خویش را در بسیاری جای‌ها بر سند و پیمان‌نامه و گزارش‌ها نوشته است (KNRb: 23-24; Skjærvø, 2012: 608).

به این ترتیب، کرتیر که هم ازبابت سیاست توسعه‌طلبانه شاپور در گسترش مرزها و برپایی آتشکده‌ها و هم به‌دلیل دریافت اختیارات فراوان از طرف او و به‌ویژه جانشینانش در بازسازی

آتشکده‌ها و گماردن مغمردان، به قدرت فراوانی دست یافته بود، هم سنگ‌بنای پدید آمدن سلسله مراتب دستگاه روحانیت زرتشتی را گذاشت و هم به معنای واقعی، مرکزی بر گرد آتشکده برپا کرد که به بنیاد آتشکده رسمی ساسانی منتهی شد (شیمان، ۱۳۸۳: ۱۰۴؛ فرای، ۱۳۸۵: ۳۵۲-۳۵۴؛ ایمان پور، ۱۳۶۹: ۲۲۲). در پی این اقدامات، مهم‌ترین و حیاتی‌ترین بخش زندگی مردم، یعنی دین زرتشت، رو به نظام‌مند شدن رفت. (کریستن‌سن، ۱۳۷۵: ۱۴۸).

موضوع دیگری که در تکاپوی روحانیان برای نظام‌مند کردن ساختار دستگاه روحانیت و دستیابی به جایگاهی نیرومند در عرصه سیاست و دین جامعه ساسانی تأثیر گذاشت، رقابت دین زرتشت با ساختار تشکیلاتی مانویت و مسیحیت بود. آیین مانی علاوه بر اینکه میان پیروان ویژه (برگزیدگان) و پیروان عام (نیوشیگان) خود تمایز می‌گذاشت، بین پیروان برگزیده نیز قائل به نوعی سلسله‌مراتب به صورت فریستگان/ رسولان، اسپسگان/ اسقفان، مهشتگان/ شیوخ و وزیدگان/ برگزیدگان بود. این امر درباره دین مسیحیت نیز که مانی سلسله‌مراتب خود را از آن گرفته بود، صدق می‌کرد (کریستن‌سن، ۱۳۷۵: ۲۷۷؛ ویسهوفر، ۱۳۷۸: ۲۵۳؛ گیرشمن، ۱۳۷۴: ۳۸۱-۳۸۲؛ ایمان پور، ۱۳۷۰: ۴۰۵-۴۰۷).

۳. کرتیر و سلسله‌مراتب روحانیت

از کتیبه‌های کرتیر چنین برمی‌آید که سایر مغان که او از آن‌ها به عنوان نگهبانان و سرپرستان آتشکده‌ها یاد می‌کند و همچنین مغمردانی که احتمالاً نگهبانان عالی‌مقام و برتر آتش‌های بهرام در ایالات بوده‌اند، همگی زیردست او قرار داشته‌اند (ویسهوفر، ۱۳۷۸: ۲۱۸؛ ایمان پور، ۱۳۶۹: ۲۲۲). گستردگی اقدامات کرتیر در ساختن آتشکده‌ها، نوشتن سندها و وقف‌نامه‌ها و مهر کردن آن‌ها و فرستادن مغان به پیرامون شاهنشاهی، جایگاه بالایی به منزله بنیان‌گذار یا گسترش‌دهنده بخش اداری وقف، مالی، خزانه و دیگر بخش‌هایی که از آن‌ها اطلاع نداریم، به او می‌دهد. کرتیر در سنگ‌نوشته‌هایش فقط به مغمردان، مغان ایرانشهر که در انیران‌شهر بودند، دبیر خویش، بختنگ و عنوان *advenpat- āyēn bad* (آیین‌بد/ رئیس تشریفات) که آن را برای خودش به کار برده است، اشاره می‌کند (2: KKZ). کرتیر، علاوه بر عناوین هیربد، دادور، آیین‌بد و موبد، دو عنوان

hnglpy (KSM: 36) و kang ōpat (KSM: 38; Shaki, 1984: 557- 559) نیز دارد که معانی آن‌ها روشن نیست (Gignoux, 1991: 43; Frye, 1956: 327).

با اینکه منابع متأخر اسلامی از فردی به نام ماهداد/ فاهر به عنوان موبدان موبد و از تنسر به عنوان هیربدان هیربد اردشیر یکم نام می‌برند (طبری، ۱۳۶۲: ۲/ ۵۸۲؛ ابن‌اسفندیار، ۱۳۶۶: ۲۵؛ مینوی، ۱۳۵۴: ۵۵؛ ایمان‌پور، ۱۳۶۹: ۲۱۳-۲۱۷)، در هیچ‌یک از منابع رسمی ساسانی و منابع همزمان، گزارشی دال بر وجود چنین مقام‌های بلندپایه‌ای در رأس تشکیلات روحانیت ساسانی دیده نمی‌شود. در واقع، هرگاه به وجود چنین عنوانی در دوران بنیان‌گذار پادشاهی ساسانی برای شخص ماهداد یا تنسر قائل شویم، بی‌شک می‌بایست ردپایی از این عنوان را در میان عناوین پرسروصدایی که کرتیر به خود می‌دهد، می‌یافتیم؛ در حالی که کرتیر به عناوین هیربد و موبد بسنده می‌کند. این نشان می‌دهد که عناوین موبدان موبد و هیربدان هیربد متعلق به دوران نخستین پادشاهی ساسانی نیستند؛ بلکه از دوران‌های بعدی الگوبرداری شده‌اند و در اشاره به مقام‌های دوره ساسانی به کار رفته‌اند.

۴. روحانیت از عصر شاپور دوم تا کواد

ضعف و ناتوانی‌ای که در نتیجه چیرگی کرتیر و کارگزارانش، به‌ویژه در دوران بهرام یکم و بهرام دوم و به دلیل سرکوب مانویان و عیسویان و دیگر ادیان، برای قدرت شاهی ایجاد شد، رقابت میان سران بلندپایه روحانیت و دستگاه شاهی را افزایش داد (ایمان‌پور، ۱۳۶۹: ۲۲۳-۲۲۴). روحانیان به پشتیبانی تشکیلات دیوانی که کرتیر سنگ‌بنای آن را نهاده بود، به‌مرور، هم عرصه را بر ادیان غیرزرتشتی تنگ و هم پادشاهی را درگیر سیاست‌های دینی خود کردند. این دوران، نقطه عطفی در تاریخ روحانیت ساسانی بود. در دوران شاپور دوم، روحانیان چنان قدرت گرفتند و دارای املاک حاصلخیز و ساختمان‌های عالی شدند که مرکز عمده تمرکز آن‌ها، یعنی آتروپاتن، را کشور مغان می‌دانستند (Ammianus, 1939: 6, 23 & 35؛ کریستن‌سن، ۱۳۷۵: ۱۷۶). سرکرده نیرومند روحانیان در این دوره، آذربادمهرسپندان بود که ناچار شد برای اثبات حقانیت دین زرتشت و آموزه‌های رسمی در برابر مخالفان و شکاکان، تن به آزمایش فلز گداخته دهد (بویس، ۱۳۸۴: ۱۴۹؛ دریایی، ۱۳۸۳: ۸۱؛ ایمان‌پور، ۱۳۶۹: ۲۲۴). او روحانی بلندپایه و دارای کرامات، حکمت و

تقدس بود. از او در نوشته‌های پهلوی با عناوین «انوشه‌روان»، «پیروزبخت» و «آراینده‌دین» یاد شده است (ایمان‌پور، ۱۳۶۹: ۲۲۵). گمان بر این است که اطلاق عنوان موبدان موبد، با نام آذربادمهرسپندان و برانداختن بدعت مخالفان و شکاکان در دین زرتشت ارتباط دارد (همان). از سده چهارم، به پیروی از نمونه قدرت شاه، تمایز بیشتری از لحاظ سازماندهی مقام‌های اداری و دادرسی روحانیت ایجاد شد. این گمان را منبع سریانی *اعمال شهیدان سریانی* تأیید می‌کند که در سده چهارم میلادی از این عنوان با لقب «رشا ده مائویاته»، به معنای «پیشوای موبدان»، یاد کرده و آن را از موبد بزرگ و موبد ایالتی متمایز کرده است (ویسهوفر، ۱۳۷۸: ۲۱۸؛ Morony, 1987: 576). این در حالی است که به‌باور ویکاندر، برای نخستین بار، در زمان بهرام پنجم و در گزارش طبری، از موبدان موبد یاد می‌شود (طبری، ۱۳۶۲: ۲/۶۲۲-۶۲۳). او احتمال می‌دهد که تنظیم عنوان موبدان موبد در این زمان، با دیدار بهرام گور از آتشکده آذرگشنسپ ارتباط دارد (Wikander, 1946: 147). می‌توان تلاش مهرنرسه را در واگذاری مقام‌های عالی پادشاهی به پسرانش، به‌ویژه واگذاری منصب هیربدان هیربد، اقدامی در راستای سلسله‌مراتبی کردن وظایف و مقام‌های دینی و تداوم سیاست کرتیر و آذربادمهرسپندان دانست (طبری، ۱۳۶۲: ۲/۶۲۶؛ ویسهوفر، ۱۳۷۸: ۲۱۸).

۵. دستگاه روحانیت در دوران کواد و خسروانوشیروان

منابع همزمانی - وجود مهرهای فراوان و اشاره‌های مادیان هزاردادستان - در دست است که نشان می‌دهند فرایند تشکیلاتی شدن دستگاه روحانیت ساسانی که از زمان اقدامات کرتیر آغاز شده بود، مرحله نهایی خود را در زمان کواد و خسروانوشیروان به پایان رساند. به نظر می‌رسد، با اجرای طرح اصلاحات از طرف کواد و خسروانوشیروان، سلسله‌مراتب روحانیان و سازوکار دستگاه روحانیت نیز شامل آن گردید و به‌دستور شاه، روحانیان در سلسله‌مراتب داوران، آمارگران، پشتیبان درویشان، موبدان موبد، موبدان، ردان و اندرزید، با مهرهای رسمی، رده‌بندی شدند (گوبل، ۱۳۸۴: ۱۰۵ و ۱۴۶؛ لوکونین، ۱۳۷۸: ۱۳۱-۱۳۳). طبری نیز با این گزارش که خسروانوشیروان در اصلاحاتش «آتشکده‌ها را گماشتگان نهاد»، به‌نوعی گزارش مادیان هزاردادستان را تأیید می‌کند (طبری، ۱۳۶۲: ۲/۶۴۸-۶۴۹).

با این حال، اجرای طرح اصلاحات از طرف کواد و خسروانوشیروان، وجود پاره‌ای از این مناصب و عنوان‌ها را در زمان‌های پیشین نفی نمی‌کند؛ زیرا- همچنان‌که دیدیم- مناصبی مانند موید، دادور، آمارگر، مغان و هیربد در دوران‌های پیش نیز وجود داشت؛ اما در این دوران، شاهان اصلاح‌طلب ساسانی بیش از پیش به رسمی کردن مناصب و وظایف روحانیان با تهیه مهرهای مخصوص که وظایف آن‌ها را روشن می‌کرد، مصمم شدند. حتی می‌توان احتمال داد که در این دوران، کتابی تدوین که در آن، وظایف و حوزه فعالیت‌های روحانیان، متناسب با منصب و مقام آن‌ها، مشخص شده بوده است. یا شاید در زمان کواد، منصب ویژه‌ای برای رسیدگی به امور درویشان وجود داشته است. از این رو و با توجه به رسمیت یافتن مناصب روحانیان در این دوران و تکامل سلسله‌مراتب آن، شرح وظایف و فعالیت‌های مناصب روحانیت براساس مهرها و نوشته‌های پهلوی، در روشن کردن زوایای تاریک سلسله‌مراتب دستگاه روحانیت ساسانی کمک شایان توجهی می‌کند.

۵- ۱. موبد

همچنان‌که گفتیم، این عنوان نخستین بار در سده سوم میلادی، در سنگ‌نوشته‌های کرتیر نمایان شد (Grenet, 1990: 94). گویا، نرسی نیز در سنگ‌نوشته‌اش این عنوان را برای کرتیر نگه داشته است (Skjærvø, 2012: 608). این نشان می‌دهد که در سده چهارم، این عنوان اهمیت بیشتری یافته است (عریان، ۱۳۸۲: ۱۲۴؛ Skjærvø, 1983: 32). براساس مادیان هزاردادستان، کتابی به نام خویش‌نامگ موبدان نبشت وجود داشته که در آن وظایف آن‌ها را شرح داده بوده است (MHD, 15: 26).^۱ در مادیان هزاردادستان اشاره می‌شود که «مهرهای رسمی موبدان (magūpatān) نخستین بار در زمان حکومت کواد یکم، پسر پیروز، باب شد. وقتی مهر موبد پارس کنده شد

۱. در آوانگاری واژه‌های مادیان هزاردادستان (MHD) از آوانگاری پریخانیان در کتاب زیر پیروی شده است:

- Anahit Perikhanian, *The Book of Thousand Judgments (A Sasanian Law Book)*, Mazda Publisher, 1980.

(بریده شد)، دیگر مطابق گذشته، عنوان موبد بر مُهر نقش نشد، بلکه به پشتیبان درویشان پارس (nāmi driyōšān yātkgobīhi pārs) تغییر یافت. (MHD, 93: 4- 10; De Menasce, 1963,)، 4 دریایی، ۱۳۸۳: ۱۳۴-۱۳۵). همین عنوان جدید برای موبد پارس نشان‌دهنده حوزه اجرایی وی و محدوده آن است. مُهرهای به‌دست‌آمده در قصر ابونصر و تخت سلیمان این گزارش مادیان هزاردادستان را تأیید می‌کنند (گوبل، ۱۳۸۴: ۱۴۶).

به هر حال، می‌توان برخی از این وظایف را از مادیان هزاردادستان به‌دست آورد. موبدان در امور مربوط به داوری (MHD, 98: 1- 5) و ستوریه (sturih) ذی‌صلاح بودند (MHD, 99: 3- 8 & 17-100). موبدان موظف بودند بر نامه‌ها یا اسناد قضایی‌ای که به شهری یا تسوک دیگری می‌فرستادند، قبلاً مُهرهای اداری / رسمی بزنند (MHD, 100: 5-11). آن‌ها همچنین می‌توانستند به همراه داوران و ردان در جلسه آزمایش یا «ور» شرکت کنند (MHD, A12: 11- 13)؛ اما اگر موبد یا داوری از اداره اخراج می‌شد، تا زمانی که سند مربوط به این مُهر را بر نمی‌گرداند و واگذار نمی‌کرد، حق استفاده از آن را نداشت (MHD, A12: 13- 17; Frye, 1973: 51). معمولاً اسناد بدون مُهر ردان و موبدان اعتباری نداشتند (MHD, A18: 2 & 15-19). موبدان در انتصاب یک ستوریه و برکناری و خلع از ستوری که منصرف شده بود، صلاحیت داشتند. یکی دیگر از وظایف موبدان، تعیین مالیات / عوارض دارایی‌هایی بود که به آتشکده‌ها پرداخت می‌شد. آن‌ها صلاحیت صدور رأی در حل و فصل این‌گونه امور را نیز داشتند (MHD, A26: 11- 16).

مسئله‌ای که آن‌ها نقش به‌سزایی در آن داشتند، صدور رأی درباره تبدیل یک بتکده به آتشکده بود که نمونه‌ای از آن در مادیان هزاردادستان آمده است (MHD, A37: 1- 15). موبدان همچنین صلاحیت داشتند که یک ازدواج چکری را ازدواج پاتخشایی قلمداد کنند (MHD, A40: 9- 11). به نظر می‌رسد در اواخر دوران ساسانی نیز دیوان و خزانه آتشکده هر ایالت به سرپرستی یک موبد اداره می‌شده است (لوکونین، ۱۳۷۸: ۱۳۱-۱۳۲) و چون احتمال می‌دهند حوزه اداری وی در آتشکده در محدوده تسوک بوده، بعید نیست که نظارت بر چندین آتشکده را برعهده داشته است. براساس مادیان هزاردادستان، نگهداری آتش موبد گمنام یا هر موبد دیگری

که قادر به تأمین نیازهای آتش نبوده، احتمالاً بخشی از مسئولیت‌های موبد همان ناحیه یا ایالت بوده است (MHD, 95: 3 & 15-96).

۵-۲. مغان

باینکه این دسته از روحانیان در پایین‌ترین مرتبه روحانیت قرار داشتند، به‌دست آمدن مهرهای فراوانی از آن‌ها، نشان از اهمیت به‌سزای این مقام روحانی در دستگاه دیوان‌سالاری روحانیت ساسانی و آتشکده‌ها دارد. بیشترین مهرهای مغان از دو مکان به‌دست آمده‌اند: قصر ابونصر در شیراز و مجموعه تخت‌سلیمان (گوبل، ۱۳۸۴: ۱۷۹؛ Frye, 1973: 60). مضمون این مهرها بیشتر دربارهٔ امور دینی و طلسم است و به اعضای بلندمرتبهٔ دستگاه دینی در سلسله‌مراتب دینی تعلق دارند. مهرهای اداری/رسمی فقط اداره و محل را مشخص می‌کنند؛ در حالی که بیشتر محل‌ها نیز شناسایی نشده‌اند. اهمیت بسیار زیاد روحانیان را می‌توان از طریق مهرهایی که نام اداره یا آتشکده و مهرهای شخصی که نام مگو/روحانی را بر خود دارند، نشان داد. از نظر فرای، مهرهای شخصی به صاحبان کالا تعلق دارند؛ در حالی که مهرهای اداری/رسمی متعلق به روحانیان هستند. این، موقعیت اجتماعی و شغلی آن‌ها را نشان می‌دهد (Frye, 1973: 23 & 37; Idem, 1968: 118).

در میان مهرهای قصر ابونصر، مهر رسمی/اداری مگوش شیراز در ایالت اردشیرخوره به‌دست آمده‌است. تعداد فراوان مهرهای روحانیان، نشانگر نیاز شدید آن‌ها به این مهرها برای امور اداری و تجاری‌شان است. مادیان هزاردادستان نیز با ذکر عنوان *muhr i pat kār framān dāštan* تأیید می‌کند که این مهرها در اختیار مغان، موبدان، آمارکاران و داوران بوده است (MHD, 100: 5-7). بیشترین و طولانی‌ترین نوشته‌ها بر مهرها از آن مهرهای مغان است (Frye, 1973: 73-74). از نظر فرای، مهرها برای مهر کردن کالاها بوده‌اند و از نظر گوبل، به‌قصد مهر کردن اسناد و مدارک به کار برده می‌شدند (گوبل، ۱۳۸۴: ۳۵؛ شیمان، ۱۳۸۳: ۱۶۷؛ Frye, 1973: 50). به‌نظر می‌رسد بخشی از وظایف مغان، نظارت بر معاملات اقتصادی بوده است (دریایی، ۱۳۸۳: ۱۳۲).

۵-۳. ردان

از جمله کسانی که در حوزه‌های اداری، با شهرها و نواحی روستایی ارتباط داشتند، ردان بودند؛ ولی کارکرد و نقش آن‌ها چندان روشن نیست. آن‌ها را معمولاً مسئولان دیوان دستگاه دینی می‌پندارند. در سنگ‌نوشته‌های آغازین ساسانی، ردپایی از آن‌ها نیست. به نظر می‌رسد با پیچیده شدن تشکیلات دینی، لزوم وجود آن‌ها در سلسله‌مراتب احساس شده بود. براساس منابع اواخر ساسانی، معمولاً موبدان را مسئول کارهای تسوگ، و ردان را مسئول کارهای مربوط به شهر و روستا دانسته‌اند (لوکونین، ۱۳۷۸: ۱۳۲-۱۳۳). وظایف ردان تا حدودی مانند موبدان و داوران بود؛ اما در مواردی نیز نقش اصلی را ایفا می‌کردند. آن‌ها در خریدوفروش برده دخالت داشتند (روایت پهلوی، ۱۳۶۷: ۴۲; MHD, 1: 13- 15).

ردان به‌همراه دیگر مسئولان اداری در زمان خسرو انوشیروان، مقرر کردند که تعداد مأموران قضایی در هر روستا (rōtastāk) باید افزایش یابد و فقط چهار منشی حضور داشته باشند (MHD, 78: 2- 11). به حکم ردان، مقرر شده بود خزانه آتشکده آذرفرنبغ از طریق دارایی خویش، بندگانش را از دشمنان بازخريد کند (MHD, 103: 7- 10). اهمیت بالای ردان را می‌توانیم از ماده ای دریابیم که در آن اشاره می‌شود نشست بررسی امور در دادگاه آزمایش یا ور توسط داوران و موبدان برگزار نمی‌شود، مگر اینکه ردان درباره آن تصمیمی بگیرند (MHD, A12: 11- 13). مهرهای ردان نیز- مانند موبدان- به اسناد اشخاص درباره تعلق شیء، اعتبار و سندیت می‌داد (MHD, A18: 15- 19). آن‌ها همچنین در مالکیت و تصرف اشیاء، جمع‌آوری مالیات و عوارض، دادوستد و ارزیابی اشیایی که باید به خزانه آتشکده پرداخت می‌شد، نظارت بر پرداخت‌های حاصل از بنیادهای خیریه، حل‌وفصل دعاوی، صدور حکم و هر چیزی که به خزانه آتشکده مربوط می‌شد، صلاحیت داشتند (MHD, A26: 4 & 17- 27; A28: 3- 5).

۵-۴. داوران

داوران (dātabarān) از میان موبدان برگزیده می‌شدند و گویا، رئیسی ملقب به شهر داوران دادور (šahr dādwarān) dādwarān داشتند (دریایی، ۱۳۸۳: ۱۳۸؛ Shaki, 1984: 557- 559).

MHD, 100: 11- 15). در جایی نیز نام رئیس آن‌ها *dātavarā dātabar* و *dātabarimas* آمده است (MHD, 3: 6- 8). براساس گزارش مادیان هزاردادستان، داور تحت سرپرستی موبد بوده است (MHD, 100: 11- 15). آن‌چنان که از نامشان برمی‌آید، بیشتر با شاکیان و دادگاه سروکار داشتند. آن‌ها باید برای شکایاتی دربارهٔ تملک‌داری، سرپرستی خانوادهٔ بدون سرپرست، وام، ثبت ستوریه و تعیین قواعد و مقررات آن، جلسه تشکیل می‌دادند (MHD, 3: 3- 8; 5: 6- 11; 8: 10- 14; 10: 16- 40; 15: 43; 16: 49; 17: 54; 12: 71; 9- 16). داوران می‌بایست نسخه‌ای از اسناد را آماده می‌کردند و به خزانهٔ آتشکده می‌فرستادند (MHD, 93: 3- 4). داوران نیز همانند ردان و موبدان، دارای مُهرهای رسمی بودند که ظاهراً نخستین بار به دستور خسروانوشیروان تهیه شده بود (MHD, 93: 4- 9; Shaki, 1984: 557- 559). گاهی رأی‌های صادرشده از طرف داوران را که شاکي از آن ناراضی بوده است، برای بررسی مجدد به نزد موبدان می‌فرستادند؛ این نشان می‌دهد که موبدان در رده‌ای بالاتر از داوران قرار داشتند (MHD, 93: 9- 11). داوران-مانند موبدان- می‌توانستند در جمع‌آوری عوارض و مالیات اشیایی که به آتشکده داده می‌شد، یا در گماردن یک ستوریه دخالت کنند (MHD, A26: 11- 16; Shaki, 1384: 557- 559).

۵-۵. آمارگران

در مادیان هزاردادستان چندین بار از آمارگران یاد شده است که بیشتر، آن‌ها را کارگزاران دولتی می‌دانند (MacKenzie, 2011: 925- 926). عنوانی که خوارزمی آورده است، یعنی آتش آمار دفییره، نشان می‌دهد که آتشکده‌ها نیز احتمالاً آمارگران مخصوصی داشته‌اند. در مادیان هزاردادستان، در بندی که به صلاحیت و شایستگی ردان و داوران در جمع‌آوری عوارض مالیات بر دارایی‌ها برای آتشکده‌ها می‌پردازد، اشاره می‌کند که در تمام موضوعات مربوط به خزانهٔ آتشکده‌ها، آمارگران یا مأموران مالی نیز از شایستگی برخوردارند (MHD, A26: 4 & 17- 27). کار اصلی آمارگران، جمع‌آوری مالیات و بررسی مقدار ضرروزیان خزانه‌های شاهی و آتشکده‌ها بوده است (MHD, A28: 3- 5). تعدادی از مُهرهای آمارگران نیز در قصر ابونصر و تخت سلیمان

به دست آمده است که نام آن‌ها را معمولاً با نام ایالت حکم کرده‌اند (گوبل، ۱۳۸۴: ۱۵۲؛ Frye, 1973: 53 & 62).

۵-۶. پشتیان درویشان و دادور

در مادیان هزاردادستان اشاره می‌شود که مهرهای رسمی موبدان (magūpatān) مأموران مالی (hamārkārān)، نخستین بار در زمان حکومت کواد، و مهرهای داوران (dātabarān) در زمان حکومت خسروانوشیروان باب شد. وقتی مهر موبد پارس کنده شد (بریده شد)، دیگر، مانند گذشته، عنوان موبد بر مهر نقش نشد؛ بلکه به پشتیان درویشان پارس (nāmi driyōšān) (yātkgobīhi pārs) تغییر یافت (Shaki, 1984: 557- 559). به‌باور شاکد، وظیفه این مقام، رسیدگی به امور تنگ‌دستان و دریافت پول برای احسان به تهیدستان و بینوایان بوده است (1975: 215). این احتمال وجود دارد که این مقام، سرپرست یا ناظر بنیادهای خیریه برای کمک به نیازمندان بوده است (دریایی، ۱۳۸۳: ۱۳۶؛ Macuch, 1991: 381). از آنجا که این مقام در دوران کواد، برای پشتیانی از نیازمندان و درویشان پدید آمده بوده، این احتمال وجود دارد که کواد خواسته است برای بخشی از جامعه که به دنبال قحطی و خشکسالی دوران پیروز، بلاش و خودش، دچار فقر و تهیدستی شده بود، نهادی در تشکیلات روحانیون در سراسر کشور تأسیس کند.

۵-۷. هیربدان

واژه اوستایی هیربد، «اثرپیتی» (aēθrapaiti) است؛ پارسی میانه‌اش، hērba و گجراتی آن، ervad. (Wikander, 1946: 17; Kreyenbroek, 2012: 226). این واژه به معنای دین آگاه است و معمولاً ریشه آن را پرستار یا روحانی آتش می‌دانند (wikander, 1946: 17). گویا هیربد پیش از هر چیز، به معنی آموزگار دینی است. در کنار aēθrapaiti، خویشاوند آن، aeθrya (شاگرد)، را می‌توان دید. این دو واژه در یسنای ۲۶، ۸ و ۶۸، ۱۲ و یشت ۱۰، ۱۱۶ بارها در کنار یکدیگر آمده‌اند (بویس، ۱۳۷۶: ۱/۲۶؛ نیرگ، ۱۳۸۳: ۵۸؛ Kreyenbroek, 2012: 226; wikander, 1946: 18). آگاهی‌های ما درباره جایگاه هیربدان در ساختار اداری و تشکیلاتی روحانیت ساسانی، بسیار

اندک است و بیشتر اطلاعاتی که در دست داریم، متعلق به منابعی است که در سده‌های سوم و چهارم هجری تدوین شده‌اند (دومناش، ۱۳۷۸: ۷۵۵). بررسی کردیم که هیربد، نخستین عنوانی است که در سنگ‌نوشته شاپور یکم و کرتیر، به شخص کرتیر داده شده و در سده‌های نخستین پادشاهی ساسانی، در زمره بلندپایگان روحانی به‌شمار می‌رفته است (Kreyenbroek, 2012: 226). پس از کرتیر، زروانداد، پسر مهرنرسه، با عنوان هیربدان‌هیربد، بلندپایه‌ترین عنوان هیربدی را به خود اختصاص داد. احتمال دارد این عنوان نیز همگام با موبدان موبد که در این دوره پدیدار شد، به وجود آمده باشد (طبری، ۱۳۶۲: ۶۶۶/۲). هیربدان در اواخر دوران ساسانی اهمیت به‌سزایی یافتند؛ آن‌ها در اصلاحات انوشیروان، تنها رده از روحانیون هستند که نامشان در فهرست بخشودگی مالیات سرانه بوده است (طبری، ۱۳۶۲: ۷۰۳/۲). این هیربدان هستند که به هرمزد چهارم درباره حکومتش، هشدار می‌دهند (طبری، ۱۳۶۲: ۷۲۵/۲). به‌نظر مسعودی، هیربدان، مطلعان تاریخ ایران بوده‌اند (مسعودی، ۱۳۴۹: ۱۰۳).

در منابع بارها از هیربدستان، آموزش‌های هیربدان، آموزش‌های دستوران، مگوستان و دستورهای هیربدان یاد شده؛ ولی دقیقاً روشن نیست که هیربدستان کجا بوده و آموزش‌ها، آیین‌ها و دستورهای دستوران، هیربدان و موبدان کجا صورت می‌گرفته است. اما روشن است که آموزشگاه‌هایی وجود داشته (بویس، ۱۳۷۶: ۲۶/۱؛ Wikander, 1946: 227-228; Kotwal, 2012: 226-227). از آنجا که هر هیربد یک حوزه دینی خاص خود داشته (روایت امیت اشوهیستان، ۱۳۷۶: ۵۲)، احتمال می‌رود که در آتشکده همان حوزه به امر آموزش می‌پرداخته است (Kreyenbroek, 2012: 226). مرکز آموزش‌های هیربد را هیربدستان می‌گفتند. وظیفه یک زرتشتی بود که برای به جای آوردن یشت دینی، به هیربدستان برود و زند بیاموزد (زهر، ۱۳۷۷: ۲۸؛ جاماسب‌جی، ۱۳۸۲: ۶۸؛ روایت پهلوی، ۱۳۸۴: ۳۶۷).^۱

۱. ریدگ خسرو قبادان نیز در همین مدارس آموزش دیده بود: «بند ۸. به‌هنگام به مدرسه فرستاده شدم و به فرهنگ آموختن نخست شتافتم. بند ۹. یشت، هادخت و بغان یسن و وندیداد را هیربدانه حفظ کردم و جای‌جای نیشیدن زند را آغاز کردم. بند ۱۰. مرا دبیری آن‌گونه است که خوب‌نویس، تند‌نویس، باریک‌دانش، کامکارانگشت و فرزانه‌سخن هستم.» (جاماسب‌جی، ۱۳۸۲: ۵۵).

برداشت زرتشتی از هیربد به منزله آموزگار، تعیین کننده و معتبر است و دیدیم که منابع پهلوی، به اتفاق، هیربد را در نقش آموزگار معرفی می کنند؛ اما منابع اسلامی، مثل خوارزمی (۱۳۴۷: ۱۱۳) و یعقوبی (۱۳۴۷: ۲۱۹)، آن را به معنی خادم و نگهبان آتش می دانند. در گزارش بیرونی، هیربدان را در خدمت شاه می بینیم که سال کیسه را تعیین می کنند (۱۳۵۲: ۲۶۹). بدیهی است که نقش آن ها در مقام نگهبانان روایت های دینی، پیوند تنگاتنگی با کارکرد دیگرشان، یعنی آموزگار بودن، دارد. هیربدان، به منزله روحانی مراسم یا آموزگار، گویا با «زمزمه» سروکار داشته اند «*aēθrapaiti*» و زمزمه کننده با هم مرتبط هستند (Wikander, 1946: 28 & 33). طبری هنگام معرفی پسران مهرنرسی، گزارش می کند که مهرنرسه، زروانداد را به آموختن دین و فقه واداشت و توفیق بزرگ یافت و بهرام گور، وی را هیربدان هیربد کرد که مقامی همانند موبدان بود (طبری، ۱۳۶۲: ۲/۶۲۵). در یشت ۱۰، واژه هیربد در کنار واژه «همیدپیتی» *hamipaiti* آمده و آن را آموزگار و مربی معنا کرده است (بویس، ۱۳۷۶: ۱/۲۶؛ Wikander, 1946: 35- 36; Bailey, 1957: 42- 43).

سنگ نوشته های کرتیر (KKZ)، منابع پهلوی و اسلامی صلاحیت داشتن هیربدان در هر دو مورد (روحانی آتش و آموزگار بودن) را تأیید می کنند. مادیان هزاردادستان نیز با اشاره به دستورها و فرمان های هیربدان (MHD)، گزارش های کتیبه های کرتیر و متون پهلوی (در باره تنسر) را تأیید می کند. منابع پهلوی به شدت تمایل دارند که هیربدان را به مسئله آموزش و آموزگاری محدود کنند؛ در حالی که منابع اسلامی در فرصت های گوناگون، هیربدان را از آتشکده ها مجزا نمی پندارند. مادیان هزار دادستان، یک بار گذرا و کلی به هیربدان می پردازد؛ یعنی فقط به دستورهای هیربدان *Čē dātātān bē rādēnitān čiyōn ēhrpatān gōbēnd* در امور داوری و دادگاه اشاره می کند (MHD, 5: 13).

۶. بایگانی و خزانه آتشکده

در هیچ یک از منابع عصر ساسانی و اسلامی آشکارا به دیوانی ویژه روحانیان و نیز آتشکده اشاره نشده، در حالی که بارها از دیوان کرتکان (اداره نهادهای دینی) نام برده شده است (MHD, A: 19 & 68; SKZ: 2 FF; KKZ: 5; 27: 5; Xوارزمی، ۱۳۴۷: ۱۱۳). در مادیان هزاردادستان از

خزانه آتشکده به صورت *hēr i ātaxš* نام برده شده است (MHD, 34: 1). اشاره کوتاهی از خوارزمی در دست است که به آتش همار دفییره یا آتش آمار دپییره اشاره و آن را خطی برای نوشتن حساب‌های آتش، ترجمه می‌کند. از سنگ‌نوشته کرتیر و مادیان هزاردادستان می‌توانیم حدس بزنیم که هر آتشکده بایگانی و خزانه‌ای داشته‌است. شاید واژه بن‌خانگک در سنگ‌نوشته کعبه زرتشت کرتیر اشاره‌ای به همین مطلب باشد. مادیان هزاردادستان از *nāmak i nidāni* (بایگانی‌های آتشکده روستای خرم‌ارتخشیر در کوره ارتخشیرخوره) یاد می‌کند (لوکونین، ۱۳۷۸: ۱۲۵؛ Frye, 1973: 50; MHD, 78: 11-14; De Menasce, 1963: 45).

نتیجه‌گیری

از این بررسی چنین برمی‌آید که تأسیس پادشاهی ساسانی جان تازه‌ای به دین زرتشت بخشید و فرصت و فضای مناسبی را برای گسترش آن و نفوذ هرچه بیشتر روحانیان زرتشتی فراهم کرد؛ شاهان و روحانیان، خود را مروج و مبلغ دین زرتشت می‌دانستند. این سیاست آن‌ها هرچند تأسیس بنیادها، نمادها و تشکیلات روحانیت زرتشتی را در مناطق گشوده‌شده به‌همراه داشت، نباید فرض کنیم که از همان آغاز، با سازمان و تشکیلات منظم اداری دستگاه روحانیت ساسانی، به‌مثابه دولتی در دل دولت ساسانی، روبه‌رو هستیم. سازمان و تشکیلات اداری دستگاه روحانیت ساسانی، تابعی از رویدادهای سیاسی، دینی و اجتماعی این پادشاهی بود. این تشکیلات و سازوکار آن مبتنی بر الگوی قدرت پادشاهی بود و به موازات رویدادهای سیاسی، دینی و اجتماعی که در پادشاهی رخ می‌داد، شکل می‌گرفت و رشد می‌کرد. روحانیان در چند دوره مهم از تاریخ ساسانی، قدرت و زمان سلسله‌مراتبی کردن دستگاه روحانیت را به‌دست آوردند. آن‌ها نخستین بار در زمان جانشینان شاپور یکم، با قدرت‌گیری کرتیر به این مهم دست یافتند. آنچه ابزار این کامیابی را در اختیار آن‌ها قرار داد، لشکرکشی‌های شاپور، برپایی آتشکده‌ها، دادن اختیارات به روحانیانی مانند کرتیر، ضعف و سستی جانشینان شاپور، به‌ویژه بهرام یکم و دوم، و سرانجام، رقابت دین زرتشت با ساختار تشکیلاتی مانویت و مسیحیت بود. دومین بار، رهبری تلاش روحانیان برای دست یافتن به

تشکیلات دیوانی قدرتمند را آذرباد مهرسپندان، موبدان موبد عصر شاپور دوم، در دست گرفت و براساس برخی منابع، عنوان موبدان موبد را با الگوگیری از عنوان شاهنشاه و برای تمایز از موبد بزرگ و موبد ایالتی پدید آورد. به نظر می‌رسد مهم‌ترین ابزار وی برای انجام این کار، گذشته از چیرگی روحانیان بر امور پادشاهی پس از نرسی، از یک سو، تلاش برای اثبات حقانیت دین زرتشت و آموزه‌های رسمی در برابر مخالفان و شکاکان، از راه آزمایش فلز گذاخته بود و از سوی دیگر، سیاست تازه و نوآورانه شاپور دوم در پیگرد و آزار مسیحیان. دوره دیگری که طی آن، روحانیان امکان و شرایط لازم را برای ایجاد تشکیلات اداری و دادرسی به دست آوردند، زمان بهرام پنجم و یزدگرد دوم بود؛ زمانی که هم بهرام اختیار امور پادشاهی را به بزرگان و روحانیان واگذار کرده بود و هم شخصیت برجسته‌ای مانند مهرنسه در رأس قدرت قرار داشت. مهرنسه با واگذاری منصب هیربدان هیربد به پسرش، زروانداد، گام مهمی در این راستا برداشت. براساس متون پهلوی و مهرهای بازمانده از دوران پایانی ساسانی، آخرین بار در دوران کواد یکم و خسروانشیروان بود که سلسله مراتب دستگاه روحانیت به دستور شاهان و با تهیه مهرهای ویژه مقام های روحانی به نظم و قاعده درآمد.

منابع

- ابن اسفندیار (۱۳۶۶). *تاریخ طبرستان*. تصحیح عباس اقبال. تهران: پدیده خاور.
- ایمان پور، محمدتقی (۱۳۶۹). «نقش روحانیون زرتشتی در تقویت حکومت ساسانی و دیانت زرتشتی». *فصلنامه مطالعات تاریخی*. س ۲. ش ۲.
- _____ (۱۳۷۰). «رویاریبی مانی با زرتشتیگری». *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد*. س ۲۴. ش ۲.
- _____ (۱۳۷۱). «مبانی نفوذ و مقام روحانیون زرتشتی در دوره ساسانی». *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد*. س ۲۵. ش ۱-۲.
- بویس، مری (۱۳۷۶). *تاریخ کیش زرتشت*. ترجمه همایون صنعتی زاده. تهران: توس.

- _____ (۱۳۸۴). **زرتشتیان؛ باورها و آداب دینی آن‌ها**. ترجمه عسکر بهرامی. تهران: ققنوس.
- بیرونی، ابوریحان (۱۳۵۲). **آثارالباقیه**. ترجمه اکبر داناسرشت. تهران: ابن‌سینا.
- پیگولووسکایا، ن. و. (۱۳۷۲). **شهرهای ایران در روزگار پارتیان و ساسانیان**. ترجمه عنایت‌الله رضا. تهران: علمی و فرهنگی.
- جاماسب‌جی (۱۳۸۲). **متن‌های پهلوی**. به کوشش سعید عریان. تهران: میراث فرهنگی.
- خوارزمی، ابو عبدالله (۱۳۴۷). **مفاتیح العلوم**. ترجمه حسین خدیو‌جم. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- دریایی، تورج (۱۳۸۳). **شاهنشاهی ساسانی**. ترجمه مرتضی ثاقب‌فر. تهران: ققنوس.
- دومناش، ژان (۱۳۷۷). «نوشته‌های پهلوی زرتشتی». **تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی ساسانیان**. تهران: امیرکبیر.
- **روایت امید اشوهیستان** (۱۳۷۶). ترجمه نزهت صفای اصفهانی. تهران: مرکز.
- **روایت پهلوی** (۱۳۶۷). ترجمه مهشید میرفخرایی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- زهر، آر. سی. (۱۳۷۷). **تعالیم مغان**. ترجمه فریدون بدره‌ای. تهران: توس.
- **شایسته ناشایسته** (۱۳۶۹). ترجمه کتایون مزدآپور. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- شیپمان، کلاوس (۱۳۸۳). **تاریخ شاهنشاهی ساسانی**. ترجمه فرامرز نجد سمیعی. تهران: میراث فرهنگی.
- صرفی، هایده (۱۳۸۴). «هیربدی و هاوشتی». **یشت فرزاتگی: جشن‌نامه محسن ابوالقاسمی**. به کوشش سیروس نصرالله‌زاده و عسگر بهرامی. تهران: هرمس.
- طبری، محمدبن جریر (۱۳۶۲). **تاریخ طبری**. ترجمه ابوالقاسم پاینده. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- عریان، سعید (۱۳۸۲). **راهنمای کتیبه‌های ایرانی میانه**. تهران: میراث فرهنگی.
- فرای، ریچارد (۱۳۸۵). **میراث باستانی ایران**. ترجمه مسعود رجب‌نیا. تهران: علمی و فرهنگی.
- کریستن‌سن، آرتور (۱۳۷۵). **ایران در زمان ساسانیان**. ترجمه رشید یاسمی. تهران: دنیای کتاب.

- گوبل، روبرت (۱۳۸۴). *گل‌مه‌های تخت سلیمان*. ترجمه فرامرز نجد سمیعی. تهران: میراث فرهنگی.
- گیرشمن، رومن (۱۳۷۴). *ایران از آغاز تا اسلام*. ترجمه محمد معین. تهران: علمی و فرهنگی.
- لوکونین، ولادیمیر (۱۳۸۴). *تمدن ایران ساسانی*. ترجمه عنایت الله رضا. تهران: علمی و فرهنگی.
- مسعودی، علی بن حسین (۱۳۴۹). *تنبیه الاشراف*. ترجمه ابوالقاسم پاینده. تهران: نگاه نشر و ترجمه کتاب.
- مینوی، مجتبی (۱۳۵۴). *نامه تنسر به گشنسب*. تهران: خوارزمی.
- نیبرگ، ساموئل (۱۳۸۳). *دین‌های ایران باستان*. ترجمه سیف‌الدین نجم‌آبادی. کرمان: دانشگاه باهنر.
- ویدن‌گرن، گنو (۱۳۷۱). *دین‌های ایران*. ترجمه منوچهر فرهنگ. تهران: آگاهان ایده.
- ویسهوفر، یوزف (۱۳۷۸). *ایران باستان*. ترجمه مرتضی ثاقب‌فر. تهران: ققنوس.
- یعقوبی، احمد بن ابی‌یعقوب (۱۳۴۷). *تاریخ یعقوبی*. ترجمه محمدابراهیم آیتی. تهران: نگاه نشر و ترجمه کتاب.
- Ammianus, Marcellinus (1939). *The Surviving Books of the History*. Edited and Translated by J. C. Rolfe. Cambridge: Massachussets.
- Bailey, H. W. (1957). *DVĀRĀ MATINĀ BOSAS*. XX.
- Chaumont, M. L. (1964). "Les Sassanides et Christianisation de L'empire Iranien au IIIe Siecle de Notre ere". *RHR*. VoL 165. N 2.
- Choksy, Jamsheed K. (1988). "Sacral Kingship in Sasanian Iran". *Bulletin of the Asia Institute*.
- De Menasce, J. p. (1963). *Feux Et Fondations Pieuses Dans Le Droit sassanide*. Paris.
- Frye, R. N. (1956). "Notes on the Early Sasanian State and Church". *Estratto Da Studi Orientalistici Onore Di Giorgio Levi Della Vida*. VoL I. Roma.

- _____ (1968). "Sasanian Clay Sealing in the Collection of Mohsen Foroughi". *Iranica Antiqua*. Vol 8.
- _____ (1973). *Sasanian Remains From Qasr I Abu Nasr*. Harvard University Press.
- Gignoux, Philippe. (1991). *Les Quatre Inscriptions du Mage Kirdir*. Paris.
- Grenet, F. (1990). "Observations sur les titre de kartīr". *studia Iranica*. tome 19. Fasc 1.
- Humbach, H. & P. O. Skjærvø (1983). *The sasanian Inscription of Paikuli*.
- Kotwal, Firoze M. (2012). "HĒRBEDESTĀN". *Encyclopedia Iranica*. ed. E. Yarshater. Vol XII. Fasc 3.
- Kreyenbroek, Philip G. (2012). "HĒRBED". *Encyclopedia Iranica*. ed. E. Yarshater. Vol XII. Fasc. 3.
- Mac Kenzie, D. N. M. L. Chaumont. (2011). "ĀMĀRGAR". *Encyclopedia Iranica*. ed. E. Yarshater. Vol I. Fasc 9.
- Macuch, M. (1991). "Charitable Foundations i. In the Sasanian Period". *Encyclopedia Iranica*. ed. E. Yarshater. Vol 5.
- Morony, M. (1987). "Mobadh". *Encyclopedia of Islam*. Leiden.
- Perikhanian, Anahit. (1980). *The Book of Thousand Judgments (A Sasanian Law Book)*. Mazda Publisher.
- Shaked, Shaul. (1975). "Some Legal Administrative Terms". *Acta Iranica*. Leiden.
- Shaki, Mansour. (1984). "DADWAR, DADWARIH" *Encyclopedia Iranica*. ed. E. Yarshater. Vol VI. Fasc 5.
- Skjærvø, Prods Oktor. (2012). "KARTIR". *Encyclopedia Iranica*. ed. E. Yarshater. Vol XV. Fasc. 6.
- Wiesehofer, J. (1987). "Ardashir I". *Encyclopedia Iranica*. ed. E. Yarshater. Vol 2.
- Wikander, Stig. (1946). *Feuerpriester in Kleinasien und Iran*. Lund.
- Yamamoto, Yumiko. (1981). *The Zoroastrian Temple Cult of Fire*. Vol II.

- Yamauchi, Edwin M. (1998). "God and the Shah. Church and State in Sasanid Persia". *Fide ET Historia*. No 30/2.